



مسلمان معاویه‌ای نباشیم!

﴿همیشه وقتی اسم از محرم و قیام سیدالشهدا(ع) برده می‌شود افکار عمومی بی‌درنگ سراغ روز دهم محرم و اتفاقاتی که در آن روز افتاده، می‌رود. یعنی به شکلی خواسته یا ناخواسته ذهن‌ها را این‌گونه ساخته‌اند که قیام سیدالشهدا(ع) خلاصه در روز دهم محرم الحرام سال ۶۱ هجری است در حالی که باید سراغ چهره‌های برجسته رفت و دید آیا آنها نیز چنین نظری دارند؟

مرحوم آیت‌ا... آقا مجتبی‌ی تهرانی در منزل دهم از مجموعه «سلوک عاشورایی» که در آن به شرح خطبه منا پرداخته نظری خلاف آنچه عموم تصور می‌کنند، دارند. در این کتاب که سخنرانی‌های سال ۹۰ او در محرم و دهه پایانی صفر است، ایشان برای شرح خطبه منا به تبیین و تشریح فضای حاکم بر جامعه‌ای دست می‌زند که آن خطبه در سال ۵۸ هجری از سوی حسین بن علی(ع) بیان شده است. با این نگاه است که می‌توان به اهمیت و جایگاه خطبه منا پی برد، هرچند متن خطبه به تنهایی و به قدر کافی کوبنده و سهمناک است، اما با آگاهی یافتن از شرایط حاکم بر زمانه به عمق سخنان سالار شهیدان بهتری می‌توان پی برد. سخنانی که در آن خواص به خصوص علما و دانشمندان مخاطب قرار می‌گیرند و عامل مشکلات جامعه سکوت و همراهی آنان با دستگاه معاویه معرفی می‌شود.

نکته‌ای که درباره این کتاب و نگاه مرحوم تهرانی باید یادآوری کرد این است که ایشان سراغ ریشه‌های قیام رفته و انحراف از معارف اسلام به واسطه تبلیغات دستگاه معاویه را عامل اصلی و مهم شهادت امام حسین(ع) معرفی می‌کند.

ایشان در این سخنرانی‌ها که در کتاب تدوین شده از عبارتی با عنوان «مسلمان معاویه‌ای» استفاده می‌کند که توسط دستگاه معاویه به اسلام گرویده و معرفت و آموزه‌های دینی خود را از این دستگاه دریافت کرده است. مرحوم حاج آقا مجتبی‌ی تهرانی با برشمردن شاخص‌هایی در پی این است به مخاطب نشان دهد مسلمان معاویه‌ای که در دریای جهل و نادانی غوطه‌ور است عامل اصلی مبسوط‌الید بودن معاویه و در ادامه فرزندش برای کشتار برجستگان دین است. «جهالت شامیان ضریب سه داشت»، یعنی هم نسبت به رهبری قیام، هم نسبت به هدف او و هم نسبت به وضع موجود جاهل بودند. به عبارتی او جهل آنها را از جهل دیگر مسلمین در برابر قیام سیدالشهدا بیشتر می‌داند و علت بیشتر بودن آن را نیز «جهل نسبت به وضع موجود» معرفی می‌کند؛ به عبارتی شامیان نمی‌دانستند حقیقت دین چیست و باید به چه کسی اقتدا کنند و از فساد بنی‌امیه نیز بی‌خبر بودند.

کتاب «سلوک عاشورایی؛ منزل دهم، شرح خطبه منا» اثری است که در آن ریشه‌های انحراف معاویه و بنی‌امیه را نشان داده که به نام اسلام در جامعه مسلمین ظلم می‌کردند و بر مرکب جهل توده سوار بودند.



در رمانش انجام داده و تصویری از روزگار خلافت خلفا بر مسلمین و حکمرانی معاویه بر شام را نشان می‌دهد و در واقع سراغ ریشه‌های انحراف در امت اسلام رفته که زمینه به قتل رساندن سبط پیامبر را فراهم کرد.

پس از بیست سال بر خلاف ظاهر و حجمی که دارد اثری خوشخوان و روان است. خواننده در چند نشست می‌تواند به پرسش پایانی کتاب برسد. نثر یک‌دست کتاب یکی از ویژگی‌های این رمان است که با وجود حجم زیاد آن در سراسر کتاب، شاهدش هستیم و نویسنده تلاش کرده از آن عدول نکند و همین سبب می‌شود که انسجام متن حفظ شود و خواننده با اثری چندپاره روبه‌رو نشود.

ابوذر غفاری، صحابی رسول خدا(ص) و از یاران امیرالمومنین(ع) یکی از شخصیت‌هایی است که در این کتاب به دقت نشان داده شده و نویسنده تصویری کمتر دیده شده از او را در برابر دیدگان خواننده به نمایش درآورده است. کدیور، ابوذر را آن‌طور که بوده نشان داده و نقش او در برملاکردن انحراف‌ها و بدعت‌های ایجاد شده توسط بنی‌امیه و دیگر افراد را به درستی در رمانش پیاده کرده است. انسانی که هیچ از مال دنیا نمی‌خواهد و در برابر زورمندان کوتاه نمی‌آید، ولی در برابر کفار نیز سخت و محکم است و این تصویر نشان می‌دهد عدالتی که ابوذر ترویج می‌کند و علی(ع) مظهر آن است؛ سازشکار نیست. عدالتی که ابوذر و سپس عمار در پس از بیست سال نماد آن هستند مدافع مظلومان و درهم‌کوبنده متجاوزان و زورگویان است.

خواننده در این رمان با جزئیاتی از تاریخ اسلام به خصوص برهه‌ای که امیرالمومنین علی(ع) بر مسند کار می‌نشیند روبه‌رو می‌شود که شاید بارها در کتب تاریخ با آن روبه‌رو شده باشد، ولی روایت شیرین و جذاب کدیور، آنها را در ذهن حکاکی و ماندگار می‌کند. روایت جنگ صفین بخش شورانگیز و حماسی این رمان است که نویسنده کوشیده با استفاده از پرداخت داستانی، آن را از حالت خشک یک گزارش تاریخی خارج و به اثری با مایه‌های داستانی تبدیل کند. ماجرای عاشقانه سلیم و راحیل نیز به عنوان موتور پیش‌برنده اتفاقات در داستان نقش‌آفرینی می‌کند که کدیور از این ظرفیت به خوبی برای اثرش استفاده کرده است. روایتی که پاکیزه و عفیف بودن آن را باید متذکر شد و این‌که کدیور به بهانه عاشقانه‌نویسی خطوط قرمز اثرش را درهم نریخته و ارزش روایت تاریخی‌اش را از بین نبرده است.

در مجموع این رمان را باید اثری بیدارگر و هوشیارکننده نامید که تلاش می‌کند به حقیقت عاشورا و وقایعی که به ریخته شدن خون خدا منجر شد، اشاره کند.

﴿به راستی حسین را چرا کشتند؟» این پرسشی است که با گذشت نزدیک به ۱۴۰۰ سال از شهادت سیدالشهدا(ع) همچنان مطرح است. با وجود این‌که به این پرسش در طول تاریخ بارها پاسخ داده شده اما همچنان پرسشی کلیدی محسوب می‌شود، زیرا تاریخ پیوسته در حال تکرار است و انسان نیز موجودی است که عبرت نمی‌گیرد. علاوه بر این همواره حاکمانی بوده‌اند که با محو کردن اصل ماجرا و پروبال دادن به حواشی، پاسخ دادن به این پرسش را به تعویق انداخته تا راحت‌تر بتوانند قدرت را حفظ کنند. با منحرف کردن ذهن جوامع از اصل موضوع که چرا حسین را کشتند، در واقع انگیزه‌های قیام حسینی را محو و کم‌رنگ می‌کنند تا بیشتر بر اریکه قدرت تکیه بزنند.

حال سلمان کدیور در رمان تحسین شده «پس از بیست سال» تلاش کرده تا این پرسش را پاسخ بدهد و مخاطب را در معرض جواب‌هایی برای این سؤال قرار دهد. پرسشی که آخرین کلمات رمان سترگ اوست و کتاب با آن به کار خود پایان می‌دهد. رمانی که از کربلا آغاز می‌شود و با یک چرخش زمانی به روزگار خلافت خلیفه سوم و حکمرانی معاویه در شام می‌رود و تصویری از آن روزگار در کنار دسیسه‌ها و کلک‌های «پسر هند» را به خواننده نشان می‌دهد که چگونه برای حفظ قدرت دست به هر توطئه و حیل‌های می‌زده تا بتواند دور روز بیشتر بر مسند حکومت شام بنشیند. در واقع کدیور در این اثر ریشه و پاسخ پرسش پایانی خود را در سال‌هایی می‌داند که راحت‌طلبی و زیاده‌خواهی خواص، زمینه پدید آمدن انحراف در جامعه اسلامی را دامن زد.

کدیور در این رمان ۷۵۰ صفحه‌ای خواننده را به کوچه‌پس‌کوچه‌های شام می‌برد. کوچه‌هایی که در آن جوانان شامی که روزگاری رومیان بر آنها مسلط بودند، حالا در روزگار اسلام به همان اعمال و رفتارهایی مشغول هستند که در سابق بودند و تمام اینها از دولت حکومت بنی‌امیه است که برای حفظ قدرت و البته نابود کردن آثار اسلام، اسلامی اموی را ترویج کردند و آنها را از معارف ناب دینی دور نگه داشتند. معارفی که منبع و سرچشمه آن ۲۵ سال خانه‌نشین بود، ولی توسط معاویه و خاندانش چنان تبلیغاتی علیه حقیقت او صورت گرفته بود که هیچ‌کس تصور نمی‌کرد اسلام علی(ع) همان اسلام محمد(ص) است تا جایی که برخی در زمان شهادت مولای متقیان در محراب مسجد کوفه، گفتند «مگر علی نماز می‌خوانده؟» و این کاری است که کدیور



حسام آبنوس

دبیر قفسه



این رمان را باید اثری
بیدارگر و هوشیارکننده
نامید که تلاش
می‌کند به حقیقت
عاشورا و وقایعی که به
ریخته‌شدن خون خدا
منجر شد، اشاره کند